

## بحث تعیین حداقل دست مزد کارگران برای سال ۱۳۹۱ و گرانی سرسام آور!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

هر چه به پایان سال نود نزدیک تر می شویم بحث تعیین حداقل دستمزدهای کارگران ایران برای سال نود و یک نیز عمومیت می یابد. روشن است که امسال بحث تعیین دستمزدها نسبت به سال های قبل ویژگی های خاص خودش را دارد و اگر این ویژگی ها در مباحث دستمزدها مورد توجه قرار نگیرند افزایش دستمزدها به کلی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست می دهد. افت ارزش پولی ایران، افزایش بی سابقه نرخ ارز و طلا، نمایان شدن آثار مخرب حذف سوبسیدهای دولتی بر کار و معیشت کارگران و هم چنین افت تولید، بحران صنایع، تشدید محاصره اقتصادی ایران و هم چنین سوء مدیریت و اختلاس های دولتی، دست به دست هم داده اند و وضعیت معیشت کارگران و محرومان جامعه و خانواده آن ها را بیش از پیش به خطر انداخته اند. قیمت کالاهای ضروری مردم در بازار به شکل سرسام آوری افزایش پیدا کرده، اشتغال به حداقل رسیده، بی کاری افزایش یافته، حتی به دلیل حذف سوبسیدهای دولتی وضعیت صنایع کشور بحرانی تر شده، سطح تولید کاهش یافته و برخی از آن ها تعطیل شده اند و کارگران شان نیز به میان میلیون ها کارگر بی کار پرتاب شده اند. در این میان، دستمزدهای ناچیز ده ها هزار کارگر نیز پرداخت نشده است و... اگر این مسایل در تعیین حداقل دستمزدها مدنظر قرار نگیرند حتی اگر بر فرض محال ۵۰ درصد نیز به دست مزد کنونی کارگران افزوده شود به معنای واقعی، این افزایش در مقابل تورم و گرانی بسیار ناچیز بوده و باز هم سبب خرید خانواده های کارگری لاغرتر از گذشته خواهد شد.

در چنین شرایطی، اگر کارگران خودشان آستین ها را بالا نزنند و با اعتراض و اعتصاب خود افزایش دستمزدهای خود را به کارفرمایان و حکومت تحمیل نکنند شکی نیست که کارفرمایان و دولت نه تنها علاقه ای به افزایش دستمزدهای کارگران ندارند، بلکه اگر هم چنین تمایلی داشته باشند همانند سال های قبل، افزایش دستمزدها بسیار نازل و ناچیز خواهد بود و هیچ تناسبی با تورم و گرانی روزافزون نخواهد داشت.

در ادامه بحث مان به چند نمونه از گزارشات رسانه های حکومتی و اظهار نظر مقامات حکومت اسلامی که به افزایش وخامت امنیت شغلی و هم چنین زیست و زندگی کارگران در سال جاری اقرار کرده اند، اشاره می کنیم.

خبرگزاری حکومت فارس، نوشته است: «باورتان شود که قیمت سکه از اول فروردین امسال تا روز گذشته ۵۲۵ هزار تومان گران تر شده است و باز هم باورتان شود که حدود ۱۰۰ هزار تومان از این افزایش قیمت تنها در روز گذشته رخ داده است. در این اوضاع و احوال از خودمان می پرسیم که واقعا راهبرد دولت در سال جهاد اقتصادی چه بوده است؟ حمایت از اقتصاد تولید محور یا رونق بازار دلالتی... ولی چه کسی فکر می کرد روزی برسد که قیمت سکه در ایران تنها در یک روز ۱۰۰ هزار تومان گران تر شود. این روز تاریخی هم فرا رسید و شنبه اول بهمن ماه سال ۱۳۹۰ شاهد بودیم که قیمت سکه از ۸۰۰ هزار تومان به رکورد ۹۰۰ تا ۹۱۵ هزار تومان رسید.»

در حالی که نرخ دلار بعد از ظهر روز شنبه ۱ بهمن ماه به ۱۹۳۰ تومان رسید، جلال محمودزاده، دبیر کمیسیون کشاورزی مجلس، در گفتگو با خبرگزاری مجلس شورای اسلامی (خانه ملت)، با بیان این که نوسانات نرخ ارز همه محصولات وارداتی کشور را تحت الشعاع قرار داده است، گفت: «افزایش قیمت گوشت قرمز و حتی کم یاب شدن این محصول در بازار متأثر از افزایش نرخ دلار است.»

هم زمان سایت تابناک، متعلق به محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت حکومت اسلامی، با اشاره به این موضوع که «چند سالی است که ایران افزون بر واردات گوشت یخ زده گوسفند و گوساله، به واردات گوسفند زنده برای تامین گوشت گرم گوسفندی در بازار روی آورده است»، نوشت: «فروشندگان دلایل گوناگونی را برای نایاب شدن گوشت گوسفند می آورند که عبارتند از: الف) سخت شدن تهیه دلار برای واردکنندگان گوشت گوسفندی، که عمدتاً از پاکستان واردات داشته اند. ب) گران شدن دلار و از بین رفتن صرفه واردات گوشت گوسفندی برای واردکنندگان. پ) اعتصاب کشتارگاه ها.»

به این ترتیب، سقوط ریال هر روز سرعت تازه ای می گیرد. حال در این میان سیاست های دولت و باند های احتکار وابسته به مافیای حکومتی چه نقشی در داغ تر کردن بازار ارز و طلا دارند در این واقعیت فرقی نمی کند که از جمله قیمت کالاهای ضروری مردم در بازار افزایش یافته و دیگر پایان نخواهد آمد.

بی شک، آن چه که امروز در بازار گوشت اتفاق افتاده کاملاً طبیعی و عادی است و نشان از کاهش ارزش پول ملی و شدت گرفتن بحران های اقتصادی ایران است که شامل همه کالاها و بخش های اقتصادی خواهد شد.

خبرگزاری مهر، روز شنبه ۱ بهمن ماه در گزارشی با عنوان «نرخ ارز و اقبال تولیدکنندگان به کم فروشی» اعلام کرد: «تولیدکنندگان که این روزها به بهانه نوسانات نرخ ارز، خواستار افزایش قیمت کالاهای تولیدی خود هستند، وقتی با در بسته نسبت به درخواست خود مواجه شده اند، رو به کم فروشی آورده اند.»

بر اساس گزارشی رسانه ها، دلار با به جا گذاشتن رکوردی تاریخی به ۱۹۰۰ تومان، یورو به ۲۵۰۰ و پوند به ۳۰۰۰ تومان رسیده است. هر سکه بهار آزادی طرح قدیم نیز به قیمت استثنایی ۹۳۰ هزار تومان و هر قطعه سکه بهار آزادی طرح جدید نیز به ۹۱۵ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که در حوالی ظهر شنبه، هر دلار آمریکا با قیمت ۱۸۴۰ تومان، هر یورو به ۲۴۰۰ تومان و هر پوند بریتانیا به ۲۸۵۰ تومان معامله می شد اما ساعتی بعد قیمت ها به طرز باور نکردنی افزایش یافت.

شواهد نشان می دهد که در یک روز، برخی از ارزها بیش تر از یک صد تومان افزایش قیمت داشته اند. سه هفته پیش، بعد از تحریم بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا بازار ارز بحرانی شد و نرخ برابری ارزش دلار و دیگر ارزهای عمده در مقابل ریال به شدت افزایش پیدا کرد و قیمت هر دلار تا مرز ۱۸۰۰ تومان نیز افزایش یافت ولی بعد از آن با اندکی کاهش در مرز ۱۷۰۰ تومان متوقف شد. اما اکنون نرخ برابری دلار با ریال به بالاترین سطح خود در تاریخ رسیده است. در یک ماه گذشته قیمت هر دلار بیش تر از ۵۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. یک هفته پیش، یعنی در روز شنبه ۲۴ دی ماه، هر سکه حدود ۶۴۰ هزار تومان بود اما روز شنبه ۱ بهمن ماه، به ۹۳۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده که نزدیک به ۳۰۰ هزار تومان افزایش نشان می دهد.

ایسنا، به تاریخ ۱ بهمن ماه ۹۰، گزارش داد که دولت برای سال جاری ایجاد ۳۲۰ هزار فرصت شغلی را در بخش صنعت و معدن هدف گذاری کرده بود. این در حالی است که براساس تازه ترین اظهارات معاون برنامه ریزی، توسعه و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت در ۹ ماهه سال جاری تعداد فرصت های شغلی ایجاد شده در بخش صنعت و معدن براساس پروانه های بهره برداری صادر شده حدود ۷۱ هزار نفر بوده است.

اگر این عدد را در ضریب همسان سازی ۸/۱ ضرب کنیم عدد ۱۲۰ هزار و ۸۰۰ فرصت شغلی به دست می آید که این ۴۰ درصد از برنامه اشتغال زایی صنعتی کشور را طی سال جاری شامل می شود.

از سوی دیگر، تازه ترین آمار منتشر شده در سایت وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان داد که در هشت ماهه سال جاری میزان اشتغال زایی صنعتی در ۱۹ استان کشور با کاهش مواجه شده است. بیشترین کاهش اشتغال زایی صنعتی به استان های ایلام (۷۴/۸ درصد)، بوشهر (۳۷/۲ درصد)، چهارمحال و بختیاری (۵۹ درصد)، زنجان (۵/۶ درصد)، سیستان و بلوچستان (۴۳/۹ درصد)، کرمان (۷۷ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۵۱/۳ درصد)، هرمزگان (۷۳/۵ درصد)، قزوین (۳۲/۶ درصد) و البرز (۴۲/۹ درصد) مربوط بوده است. علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر حکومت اسلامی و نماینده مجلس شورای اسلامی، چنین اقرار کرده است: «اگر آقایان قادر به کنترل این مساله نیستند باید حقوق را به میزان ۷۰ درصد افزایش دهند، زیرا کارگران با این درآمد نمی توانند زندگی کنند.»

به گزارش خبرنگار پارلمانی ایلنا، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ موجب، گفت: «حوادثی که این روزها در عرصه اقتصادی گذشته بسیار تاسف برانگیز است و به نظر می رسد سکوت در برابر آن چه در میدان های ارز، طلا و نرخ سود بانکی می گذرد مهم ترین دلیل این پیش آمد است.»

علی رضا محجوب، در نطق میان دستور خود در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر این که این مساله باعث از بین رفتن ارزش پول کشور خواهد شد، خاطر نشان کرد: «آثار این مساله در زندگی کارگران، کشاورزان و صنعت گران محسوس و غیرقابل گذشت است.»

محجوب، با اشاره به این که تاثیر افزایش سود بانکی بر اشتغال منفی است و اشتغال را کاهش می دهد، گفت: «نابسامانی بازار ارز اولین بلا را به جان بازار اشتغال آورد و افزایش سود بانکی برای دیگر است، زیرا برای سوم و کاهش ارزش پول را به دنبال خواهد داشت و این مساله کارگران را تحت فشار مضاعف قرار می دهد.»

باز هم به گزارش ایلنا، در همین روز، يك کارشناس اقتصادی از کاهش نرخ بهره وری در بخش های کشاورزی و صنعت به دلیل عدم پرداخت یارانه های تولید خبر داد.

حسین قاسمی، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، از کاهش ظرفیت تولید واحدهای تولیدی خبر داد و گفت: «هم اکنون برخی از کارخانجات با ۲۰ درصد از ظرفیت کار می کنند و کارگران فعال در این واحدهای تولیدی در تامین نیازهای اساسی خود با مشکلات فراوانی مواجه شده اند.»

این کارشناس اقتصادی، با اشاره به ابهام در سیاست های اقتصادی دولت، یادآور شد: «هم اکنون بسیاری از کارخانجات نمی توانند خود را با تحولات قیمتی بازار تطبیق دهند و به دلیل کاهش حجم تولیدات، با تقاضای بیش از حد کاذب نرخ تورم مواجه شده ایم.»

او، سیاست های غلط اقتصادی دولت را موجب افزایش بی رویه نرخ تورم عنوان کرد و افزود: «بحران های پولی و بانکی موجب شده است که نرخ تورم به بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد و همین امر موجب شده است که کارگران به دلیل دریافت دست مزد اندک فشار این سیاست های غلط دولت را متحمل شوند.»

محمد رضا عمادی که ایلنا از وی، به عنوان کارشناس مسائل کارگر نام برده است در گفتگو با خبرنگار ایلنا، ضمن اشاره به افزایش بی رویه نرخ خط فقر در کلان شهرهای کشور تصریح کرد: «با توجه به این که نرخ خط فقر در کلان شهرهای کشور یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برآورد شده است، بیش از ۸۰ درصد از کارگران فعال در واحدهای تولیدی حداقل دست مزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می کنند.»

او، نابرابری ها در توزیع امکانات را موجب افزایش نرخ خط فقر اعلام کرد و افزود: «پیش بینی می شود تا پایان سال جاری نرخ خط فقر روندی صعودی به خود بگیرد.»

عمادی، از افزایش تعداد واحدهای بحرانی در کشور خبر داد و افزود: «هم زمان با اجرای قانون هدف مندی یارانه ها به دلیل افزایش نرخ سوخت، واحدهای تولیدی کشور با بحران مواجه شده اند.» او، تصریح کرد: «افزایش حقوق تأثیری بر قدرت خرید ندارد و کارگران نیز این موضوع را پذیرفته اند که با افزایش حقوق نمی توان قدرت خرید کسب کرد زیرا تورم رشد خواهد کرد.»

دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان، ضمن بیان این که انعکاس اخبار کارگری مبنی بر تعطیلی کارخانه ها و بی کاری کارگران از نگاه خبرنگاران ارزش خبری ندارد، خاطر نشان کرد: «این موضوع به طرز بی رحمانه ای جداییش را از دست داده یعنی این که مشکل کارگران دیگر قابل طرح نیست چون به مساله ای تکراری تبدیل شده است.»

او، افزود: «خبر تجمع کارگران کارخانه ای که ماه ها مزدشان را نگرفته اند زمانی می توانست برای تیتراژ اول روزنامه ها جذاب باشد اما این روزها برای روزنامه ها ارزش چند سطر خبر را هم ندارد.» یعقوبی، ادامه داد: «با این وجود گاهی مفهوم کارگر در کشور ما پایین تر از برده داری سقوط می کند چرا که اهمیت آنان به عنوان نیروهای مولد فراموش می شود.»

ابزار اقتصادی، دوشنبه ۲۶ دی ۱۳۹۰ - ۱۶ ژانویه ۲۰۱۲، درباره بی کاری در استان های مختلف کشور، نوشت: میانگین نرخ بی کاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور ۷/۲۵ درصد است که از مجموع ۳۱ استان کشور، ۱۰ استان دارای نرخ بی کاری جوانان بیش از ۳۰ درصد است. به گزارش ایرنا، براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در بهار سال جاری که از سوی مرکز آمار ایران انتشار یافته است، سهم بی کاری جوانان به طور عام بیش از ۲ برابر نرخ بی کاری در کل کشور است و این در حالی است که نرخ بی کاری زنان جوان نیز دو برابر نرخ بی کاری جوانان در کل کشور است. استان کهگیلویه و بویراحمد، با نرخ ۶/۵۲ درصد، بیشترین میزان بی کاری در میان سایر استان های کشور را به خود اختصاص داده است. میزان بی کاری جوانان در استان کهگیلویه و بویراحمد نشان می دهد که نرخ بی کاری برای مردان و زنان جوان به ترتیب ۴۳ و ۲/۷۹ درصد است. استان های هرمزگان، البرز و اصفهان با بیش از ۳۶ درصد بعد از استان کهگیلویه و بویراحمد، بیشترین سهم بی کاری جوانان در میان سایر استان های کشور را به خود اختصاص داده اند. استان یزد با میانگین ۷/۹ درصد، کمترین میزان بی کاری جوانان را در میان سایر استان های کشور به خود تخصیص داده است. میانگین نرخ بی کاری مردان جوان در استان یزد ۴/۸ درصد و برای زنان ۸/۱۷ درصد است. برخی از استان های کشور فاقد زمینه های اشتغال به ویژه برای نیروی جوان است و به همین دلیل مهاجرت به ویژه برای جوانان تحصیل کرده به طور عام به شهر تهران بیش از پیش فراهم می شود. کارشناسان امر بی کاری به ویژه برای جوانان و زنان را از مشکلات عمده بازار کار کشور قلمداد می کنند. توسعه دانشگاه ها در کشور فقط ورودی های بازار کار را با تاخیر چهار ساله مواجه می کند، اما بدون تردید جوانانی که در این دانشگاه ها آموزش کسب می کنند، با توقع های جدیدی وارد این بازار می شوند که باید پاسخ گوی نیازهای آن ها بود. به عقیده کارشناسان، افزایش مشکلات اقتصادی در میان خانوارها، زنان را بیش از گذشته به سوی بازار کار سوق می دهد، زیرا اقتصاد خانوار در شرایط کنونی نمی تواند تنها بر عهده یکی از زوجین قرارگیرد. میانگین نرخ بی کاری زنان به طور عام در استان های کشور بیش از ۳۰ درصد است و در ۱۶ استان این نرخ بیش از ۴۰ درصد گزارش شده است.

فرارو نیز نوشته است: بازار هم چنان گیج است. وضعیت پیچیده ارز در کشور و اتفاقات عجیب و غریب در این بازار باعث شده است که تمام مراودات اقتصادی کشور تحت تاثیر قرار گیرد. گرانی در بازار کالاهای اساسی موج می زند. در این بین اخباری مبنی بر گران فروشی و احتکار گسترده کالاهای اساسی شنیده می شود.

بسیاری از عمده فروشان و خرده فروشان روی به احتکار کالاها آورده اند. برخی نیز خودسرانه افزایش قیمت ها را اعمال کرده اند... گزارش ها نشان می دهد که تمایل شهروندان به خرید کلی کالاهای اساسی افزایش یافته است.

خبرگزاری مهر، در این باره نوشت: «مردم به سمتی رفته اند که کالاهای پرمصرف مورد نیاز خود در ماه های آینده را به صورت عمده خرید کرده و در منزل نگهداری کنند.» همین تمایل مردم به ذخیره کردن کالاهای عمده خود می تواند به عاملی برای افزایش قیمت ها تبدیل شود. چرا که تقاضای غیر واقعی برای بازار تهدید کننده است و تمایل فروشندگان را به افزایش قیمت ها و احتکار کالاها افزایش می دهد.

در گزارشات آمده است که بازار شیر یکی از نمونه های عالی وضعیت اسفناک تولید است. بعد از آن که هدف مندرکدن یارانه ها به اجرا گذاشته شد و دولت از پرداخت یارانه نقدی تولیدکنندگان خودداری کرد. قیمت به شدت افزایش یافت و مصرف کنندگان این کالای اساسی عطای مصرف شیر را به لقایش بخشیده اند. اما مساله این است که همین یک فقره می تواند در سلامت شهروندان تاثیر جدی داشته باشد. حال اگر واردات کالا نیز در شرایط کنونی با مشکل روبرو شود به نظر می رسد زندگی مردم با اختلال روبرو شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، بررسی قیمت ها در بازار نشان گر این است که قیمت هر بطری روغن نباتی ۶۷۵ گرمی ۱۸۳۵ تومان، قند ۴۰۰ گرمی ۸۱۰ تومان، شکر ۸۰۰ گرمی ۱۴۹۰ تومان، آبلیمو ۴۵۰ گرمی ۱۳۸۵ تومان، ماکارونی فرمی ۸۷۰ تومان و ماکارونی ساده ۷۷۰ تومان است.

هم چنین برنج ۲/۵ کیلویی ایرانی ۱۰ هزار و ۵۵۰ تومان، برنج هاشمی ۱۰ کیلویی ۳۶ هزار و ۱۰۰ تومان، برنج طارم ده کیلویی ۳۶ هزار و ۲۰۰ تومان و برنج رضایی ده کیلویی ۳۵ هزار و ۹۰۰ تومان است.

قیمت لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی ۲۹۹۰ تومان، نخود ۹۰۰ گرمی ۲۹۴۵ تومان، لوبیا سفید ۹۰۰ گرمی ۲۵۷۵ تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۲۷۵۵ تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۳۲۰۰ تومان و لپه ۹۰۰ گرمی ۲۵۹۰ تومان است.

در عین حال، چای فرمز عطری ۵۰۰ گرمی ۵۸۸۰ تومان، تن ماهی ۱۸۰ گرمی ۲۰۷۰ تومان، رب ۸۰۰ گرمی ۱۶۰۰ تومان، روغن ۴ کیلویی ۹۲۱۵ تومان، پنیر سفید ۴۰۰ گرمی ۱۶۹۰ تومان است.

هم چنین پودر ماشینی ۷۰۵ تومان و پودر دستی ۶۲۵ تومان است. هر بطری شیر نیز ۱۰۵۰ تومان عرضه می شود که البته نوع با ماندگاری آن نیز ۱۲۰۰ تومان است.

در عین حال، قیمت هر بسته ماهی قزل آلا ۹۰۰ گرمی ۶۵۵۰ تومان، کره ۲۵۰ گرمی ۸۰۰ تومان، مخلوط گوساله یک کیلویی ۱۳ هزار ۱۱۵ تومان، چرخ کرده ممتاز مخلوط یک کیلویی ۱۲۲۹۵ تومان، ران گوسفند دو کیلویی ۴۰ هزار و ۹۹۵ تومان، سردست گوسفند دو کیلویی ۴۰ هزار و ۸۶۵ تومان، ران ممتاز گوسفندی هر کیلو ۲۰ هزار و ۶۰۰ تومان، سردست بی استخوان ۲۰ هزار و ۱۹۰ تومان، ماهیچه گوسفندی هر کیلو ۱۹ هزار و ۱۷۵ تومان، قلوه گاه گوسفند هر کیلو ۹۱۳۰ تومان، آب گوشتی گوسفندی هر کیلوگرم ۱۳ هزار و ۵۰ تومان، ران گوساله هر کیلوگرم ۱۴ هزار و ۴۵۵ تومان و خورشتی گوساله هر کیلوگرم ۱۳ هزار تومان است.

خبرگزاری حکومتی فارس، در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۹۰، از افزایش قیمت نان در برخی نقاط تهران خبر داده است و نوشته این افزایش برخلاف قیمت های مصوب استانداری تهران است.

در حالی که استانداری قیمت هر قرص نان سنگک را ۵۰۰ تومان تعیین کرده اما نان سنگک کنجی که باید ۶۰۰ تومان عرضه شود، از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان در برخی نقاط تهران عرضه می شود. برای هر قرص نان بربری نیز ۳۷۵ تومان قیمت تعیین شده است اما هر قرص نان بربری بیش از ۵۰۰ تومان عرضه می شود.

یک سال پیش بعد از شروع برنامه حذف یارانه ها، یارانه نان نیز قطع شد و دولت اعلام کرد که به جای آن چهار هزار تومان ماهانه به صورت یارانه نقدی به خانوارها پرداخت می شود.

پیش از این، مهدی غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده بود که یارانه نان به طور کامل حذف شده است ولی باید زیرساخت های آن هم اصلاح شود.

به این ترتیب، همه داده ها حاکی ست که در ماه های آینده جامعه ایران در مقابل این همه فشار، منفجر خواهد شد. از همین رو، برخی مقامات حکومت اسلامی در این باره هشدار می دهند. برای مثال، اسدالله عسگراولادی، رییس اتاق بازرگانی ایران و چین درباره تاثیر افزایش نرخ ارز بر میزان تورم در ماه های آتی گفته است با واردات دلار ۱۶۰۰ تومانی، اقتصاد ایران با مشکلات اقتصادی هم چون کمبود بسیاری از کالاها و قحطی مواجه خواهد شد که برای تهیه آن ها یا باید متوسل به قاچاق شود یا این که هزینه بسیاری بابت قاچاق کالا بپردازد.

به گفته عسگراولادی، تورم ماه جاری دی ماه، با احتساب نوسانات ارزی ۴۰ درصد و بدون احتساب نوسانات نرخ ارز ۲۷ درصد است. به گزارش خبرگزاری پانا، رییس اتاق بازرگانی ایران و چین، اجرای مرحله دوم قانون هدف مند کردن یارانه ها در شرایط تورم ۴۰ درصدی را به مصلحت نمی داند.

اسدالله عسگراولادی، با بیان این که دولت در مرحله اول هدف مندسازی یارانه ها، نتوانست تورم را مهار کند و به همین دلیل بخش تولید با مشکل مواجه شد، اجرای مرحله دوم هدف مندسازی یارانه ها را خطرناک توصیف کرده است.

عسگراولادی در گفتگو با روزنامه شرق، چهارشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۰، با اشاره به تورم ۴۰ درصدی امروز گفته بود با اجرای فاز دوم قانون هدف مندی یارانه ها بیش از ۳۰ درصد نیز به تورم کنونی افزوده خواهد شد و بر همین اساس باید منتظر تورم ۷۰ درصدی در ماه های آتی باشیم.»

در پی تصویب قطعنامه «شورای حکام»، در رابطه با تحریم های اقتصادی علیه ایران در ۱۸ نوامبر سال ۲۰۱۱، روزبروز حلقه محاصره اقتصادی ایران تنگ تر و ابعاد تحریم ها گسترده تر می شوند. با هر قلم تحریمی، شوکی به سیستم اقتصاد بحرانی و درهم ریخته وارد می شود؛ با هر شوک بخش دیگری از صنایع و مراکز کار به تعطیل کشیده می شود و نتیجتا آمار بی کاری و فقر بالا می رود، قیمت ها و هزینه های زندگی افزایش می یابند و قدرت خرید و سطح زندگی توده کارگران و اقشار تنگدست جامعه تنزل می یابند.

با امضاء کردن قرار تحریم بانک مرکزی توسط اوباما، رییس جمهور آمریکا، تدارک تحریم نفتی ایران توسط دولت آمریکا و غرب وارد فاز جدیدی شده است. با این که هر کسی می داند که تحریم عمده ترین کالای صادراتی ایران مساوی است با وخامت اقتصادی بیش تر و تحمیل شرایط دشوارتر زندگی به کارگر و مردم محروم، اما دولت های تحریم کننده ادعا دارند که این گونه اقدامات واکنشی طبیعی به تلاش های حکومت اسلامی در رابطه با فعالیت اتمی اش است و این اقدامات ضدانسانی خود را، تنبیه این حکومت قلمداد می کنند در حالی که سنگینی اصلی آن بر دوش کارگران و محرومان جامعه ایران است.

در این میان حکومت اسلامی، بدون توجه به زیست و زندگی اکثریت مردم ایران، تنها به فکر بقای خودش است و رقابت ها و کشمکش های خود با رقبایش را در جهت منافع خود می بیند. برای مثال، مانورهای تحریک آمیز نظامی، موشک هوا کردن، قطعنامه های سازمان ملل را کاغذپاره نامیدن، ادعای بستن تنگه هرمز، این گذرگاه حساس منطقه تجاری و اقتصادی و اقدامات و مواضعی از این دست، به ضرر مردم ایران است. سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، آگاهانه و عمدانه در مورد میزان پیشرفت پروژه های اتمی خودش غلو می کند تا هر چه بیش تر به بحران دامن بزنند و ظاهرا توان و پیشرفت اتمی خود در مقابل رقبایشان را قوی نشان دهند. مقامات حکومت اسلامی، در اوایل سال جدید، خبر راه اندازی تاسیسات زیرزمینی «فردو» را اعلام کردند و ادعا نمودند اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی تولید می کنند. با

اعلام این خبر، سران اتحادیه اروپا و آمریکا عکس العمل نشان دادند و زمان اعمال تحریم های تازه تر و شدیدتر را جلو انداختند. قرار است ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، تحریم های جدی تری علیه ایران اتخاذ کنند.

همه شواهد تاریخی و کنونی نشان می دهند که حکومت اسلامی ایران و رقبای بین المللی اش، صرفا به فکر منافع و رقابت های خود و امتیازگیری از همدیگر هستند و اگر در این میان ده ها و صدها هزار انسان نیز قربانی شوند کم ترین اهمیتی برای آن ها ندارد؛ کافی ست که منافع شان تامین شود. در چنین موقعیتی، طبیعی است که کارگران و مردم تحت ستم و آزاده هم به فکر منافع خود باشند. تامین این منافع نیز تنها و تنها با مبارزه متحد و متشکل و هدف مند علیه کلیت حکومت اسلامی و سیاست های ضدانسانی رقبای این حکومت در سطح بین المللی امکان پذیر است. یعنی در این مبارزه مردمی، هم علیه فعالیت ها و پروژه اتمی حکومت اسلامی و میلیتاریزم و تحمیل بی حقوقی بر مردم و علیه جنایت های روزمره آن اعتراض کرد و هم سیاست های ضدانسانی غرب و در راس همه دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و غیره را شدیدا محکوم کرد. باید جوامع بین المللی و دولت های غربی را در مقابل این سنوالم مهم مقرر داد که چرا به جای تحریم اقتصادی ایران که فشارش بر مردم است، حکومت اسلامی ایران را مستقیما بایکوت سیاسی و تحریم هایشان را نیز به فروش جنگ افزار و دیگر ابزارهای جاسوسی و امنیتی و شکنجه محدود نمی کنند؟ چرا سفارت خانه ها و کنسولگری ها و دیگر مراکز جاسوسی و تروریستی این حکومت را در سطح بین المللی تعطیل نمی کنند؟ چرا نمایندگان آن را از سازمان بین المللی کار و سازمان ملل و غیره اخراج نمی کنند؟ چرا سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی را که به غرب سفر می کنند بر اساس قوانین نسل کشی و جنایت علیه بشریت دستگیر و تحویل دادگاه لاهه نمی دهند؟ چرا پرونده های تروریستی اش را در دادگاه های بین المللی را به جریان نمی اندازند؟ و چراهای زیاد! بنابراین، تحریم های اقتصادی ایران، مردم این کشور را زمین گیر و خانه خراب می کند؛ در حالی که بایکوت سیاسی و تحریم فروش سلاح و جنگ افزار و غیره سریعا حکومت اسلامی را در تنگنا قرار می دهد و به فروپاشی آن نیز سرعت بیش تری می دهد.

به این ترتیب، طرح هدف مندرکدن یارانه ها، سوء مدیریت و فساد دولتی و تحریم های اقتصادی سه عامل مهم در تهدید امنیت معیشتی و شغلی کارگران ایران هستند. اکنون که حدود یک سال از اجرای سیاست حذف سوبسیدهای دولتی می گذرد و دور دیگری از تحریم های اقتصادی هم در ابعادی وسیع تر و شدیدتر از پیش علیه ایران اتخاذ شده، روند بحران های اقتصادی و به تعطیل کشیده شدن کارخانه ها و مراکز تولیدی نیز شتاب بیش تری به خود گرفته و احتمالا به زودی شاهد اخراج ها و بی کارسازی های وسیعی از کارگران خواهیم بود. همین دو سه هفته گذشته، مراکز کار بسیاری تعطیل و یا در آستانه تعطیل قرار گرفته اند. به عنوان یک نمونه، حدود ۴۰۰ نفر از کارگران مشغول به کار در سد «بین یز» واقع در جاده سنندج - مریوان، به طور دسته جمعی از کار اخراج شده اند و در عین حال حدود ۷۳۰ کارگر مشغول به کار در این سد نیز، نگران اند که به زودی اخراج خواهند شد. حدود ۵۰۰ راننده که با خودروهای شخصی خود در این واحدها مشغول به کار بودند، از کار اخراج شده اند و قسمت سنگ شکن نیز به طور کامل تعطیل شده است.

به اقرار نمایندگان خانه کارگر حکومت اسلامی، نمونه هایی از تعطیلی مراکز کار و اخراج کارگران در استان های آذربایجان، کردستان،

شمال، استان های مرکزی و غیره در جریان بوده است. همگان آگاهند که با تعطیل شدن هر مرکز کاری، نه تنها کارگران آن مرکز از کار بی کار می شوند، بلکه فرزندان آنان نیز از ادامه تحصیل و امکانات بهداشتی و غیره محروم می گردند. و از طرفی، کارفرمایان نیز با دست بازتری بر شدت کار و استثمار کارگران می افزایند و حقوق آنان را نادیده می گیرند. آن ها، نه تنها با کارگران، هیچ گونه قراردادی منعقد نمی کنند، بلکه بر عکس هنگام به کارگیری آن ها، حتی قراردادهای سفیدامضاء می گیرند تا در صورت لزوم علیه کارگر نیز به کار گیرند. این بخش از کارگران، به هر دلیلی که مرکز کارشان تعطیل شود، هیچ تضمینی برای دست یافتن به حق و حقوق خود ندارند و به دلیل این که بیمه های بی کاری مکفی نیز در ایران وجود ندارد نتیجتا خانواده های کارگری با بحران ها و مصائب عدیده تازه ای نیز روبرو می گردند.

تا آن جا هم که به افزایش سلانه دست مزدهای کارگران مربوط است به جرات می توان گفت که حکومت اسلامی، به اندازه حاکمیتش به کارگران ایران بدهکار است. در پایان هر سال شورای عالی کار حکومت اسلامی که مرکب از وزیر کار و نمایندگان از سوی دولت و نیز نمایندگان کارفرمایان و جیره بگیران شوراهای اسلامی است، می نشینند و در غیاب نمایندگان واقعی کارگران، بر سر میزان دست مزد سال آتی کارگران تصمیم می گیرند. بنابراین، نمایندگان کارفرمایان و دولت و شوراهای اسلامی کار، بدون دخالت کارگران برای فروش نیروی کارشان نرخ تعیین می کنند بیش تر به سیاست برده داری شباهت دارد تا روابط و مناسبات کار و سرمایه. کارگر برای این که دست مزدش افزایش یابد و یا حتی دست مزدهای معوقه اش را بگیرد مجبور است اعتصاب و اعتراض کند و با نیروهای سرکوبگر درگیر شود، دستگیر و زندانی گردد. کارگر سلاحی جز اعتصاب و اعتراض متحد و متشکل، در جنگ نابرابر با سرمایه داران و دولت ها و نیروهای سرکوبگر آن ها ندارد. تاریخ اثبات کرده است که اگر این سلاح، آگاهانه و هدف مند و متشکل و پیگیر از سوی طبقه کارگر به کار گرفته شود، هیچ ارتش و پلیس و دولتی، توان مقاومت در مقابل آن نداشته و محکوم به فروپاشی است. بنابراین، فقط کارگران و مردم محروم و تحت ستم سراسر ایران می توانند با اعتصاب و اعتراض و شورش های خود، هم دست مزدهای خود را بالا ببرند و هم دیگر مطالبات بر حق خودشان را به سرمایه داران و حکومت اسلامی حافظ سرمایه، تحمیل کنند.

واقعیت این است که بحران های اقتصادی به هر دلیلی عمیق تر شوند اولین اثر خود را در زیست و زندگی مزدبگیران می گذارند و گرانی و تورم و بی کاری نیز سرسام آور می شود. از این رو، اعمال تحریم های اقتصادی بین المللی شدیدتر علیه ایران، بیش از آن که عامل فشاری برای حکومت اسلامی باشد، بر کارگران و مردم محروم فشار می آورد. در چنین روندی، طبیعی ست که مردم، هیچ نفعی در نتیجه منازعات و کشمکش های غرب و حکومت اسلامی ندارند. همه می دانند که دولت های پیشرفته سرمایه داری و نهاد های آن ها، فقط و فقط به فکر کسب سود بیش تر و استثمار نیروی کار و توسعه روابط و مناسبات اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک خود در جهان هستند و هرگز دل شان نه به مردم کشور خود و نه کشورهای دیگر نسوخته است.

هر گروه و سازمان سیاسی ایرانی در داخل و خارج کشور، از سیاست های غرب در اعمال تحریم های اقتصادی و حمله نظامی به ایران حمایت کند، دوستان مردم ایران محسوب نمی شوند و پیاده نظام قدرت های بزرگ جهانی و جنگ جویان و خشونت طلبان هستند و نمونه هایش را در عراق و افغانستان و لیبی و فجایع انسانی و ویرانگری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که به مردم این کشور تحمیل شده، در مقابل چشمان همه ماست. تنها راه رهایی جامعه ایران از این همه سانسور و اختناق، سرکوب و تهدید، فقر و بی کاری، گرانی و تورم حکومت اسلامی و طرح ها و سناریوهای سیاه بین المللی، در گرو مبارزه آگاهانه و سازمان یافته و متشکل کارگران، زنان، دانش جویان، جوانان، روشنفکران، هنرمندان و مردم محروم و تحت ستم ایران و هم طبقه ای های بین المللی آن هاست. تنها از طریق این مبارزه پیگیر سیاسی - اجتماعی و با اتکا به نیروی خود مردم ایران می توان به همه دردها و رنج ها و سرکوب ها و دیگر مصائب اقتصادی و اجتماعی پایان داد و با سرنگونی کلیت حکومت اسلامی، دنیای نوین آزاد و برابر و انسانی ساخت!